

جستجوی شیرین آبها در شورستان

لسان‌الحق طباطبایی^۱

چکیده

دشت کویر، بزرگ‌ترین نم‌زار کره زمین، در مرکز ایران واقع است. در جنوب این دشت و در منتهی‌الیه شرق استان اصفهان، شورستان خور و بیابانک با مرکزیت شهر خور از توابع آن استان قرار دارد. شهر خور دارای قنات‌های آب شور و نیم‌شور است. در گذشته دسترسی مردم این ناحیه به آب شیرین، از طریق احداث آب‌انبار و هدایت سیلاب و ذخیره آب در آب‌انبارها امکان‌پذیر بوده است.

در این مقاله، چگونگی دستیابی مردم شهر خور به آب شیرین و روابط اجتماعی آنان با روش توصیفی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: کویر، خور بیابانک، آب شیرین، آب‌انبار، قنات.

مقدمه

کشور ایران، واقع در بخش غربی فلات ایران، سرزمینی وسیع و مرتفع است که میانگین ارتفاع آن از سطح دریا به یک هزار و پانصد متر می‌رسد. ارتفاعات بلند، در امتداد حاشیه غربی و شمالی آن گسترش یافته‌اند و ارتفاعات کوتاه‌تر، در حد شرقی قرار دارند و فلات ایران را به دو چاله اصلی تقسیم کرده‌اند. در بخش شرقی آن، افغانستان و در فرورفتگی‌های غربی، ایران واقع شده است. در چاله غربی نیز چندین رشته کوه کوتاه‌تر و منفرد وجود دارند که اطراف آنها را صفحات بیابانی وسیع فراگرفته است. پست‌ترین گودی‌های این بیابان‌ها را کویرها تشکیل می‌دهند.

در منطقه بیابانی واقع در مرکز ایران که به کویر نمک معروف است، صفحات پستی نیز وجود دارند که با رسوبات شور و تبخیری پر شده‌اند. در واقع این فرورفتگی‌ها، همان کویرها یا پلایایی هستند که نام خود را به تمام این منطقه بیابانی داده‌اند و به این ترتیب، وسیع‌ترین بیابان واقع در مرکز ایران، به دشت کویر موسوم شده است.

دشت کویر که بزرگ‌ترین نمکزار در کره زمین است، در تقسیم‌بندی مناطق بیابانی مرکزی و شرقی ایران به گرم و به نسبت گرم، در گروه دوم قرار گرفته است. (کلینسلی، ۱۳۸۱؛ کردوانی، ۱۳۸۶)

در چهار سوی دشت کویر و عرصه‌های بخش بیرونی نمکزار مرکزی، در لبه زبانه‌های کویری و کرانه‌های پاره‌های کویر، همچنین دشت‌های پایین دست بلندی‌های واقع در این گستره بیابانی، کلات‌ها، واحه‌ها، آبادی‌ها، دیه‌ها، روستاها و شهرهایی دور از یکدیگر پراکنده‌اند که بیشتر آنها را مردمانی سختکوش از پارینه‌گهان در این بیابان برآورده‌اند و زیست‌بوم خویش را در این آب و خاک، استوار و پایدار ساخته‌اند؛ دیرگاهی است که به این ناحیه خو گرفته‌اند و با اندک آب‌های شور و نیم‌شور مزه‌ای که با دشواری در ژرفای زمین کاویده‌اند و گرمی‌اش داشته‌اند، خرسندند و روزگار می‌گذرانند.

تاکنون پژوهشی مستقل در زمینه چگونگی تأمین آب برای مردم خور بیابانک که تا بیش از نیم سده گذشته، با دشواری به آب شیرین دسترسی داشته‌اند، صورت نگرفته و

جستجوی شیرین آبها در شورستان ❖ ۱۵۹

ارائه نشده است. از تنی چند از پژوهشگران بومی در آثار مکتوب اعم از کتاب و مقاله، اشاراتی کوتاه به چشم می خورد که در منابع پژوهش حاضر درج شده است. نگارنده که تجربه دست کم هجده سال از سالیان نخستین زندگی خود را در این زیست بوم پشت سر دارد و همچنان موضوع پژوهش برایش محسوس و ملموس است، همراه با مطالعه در فرهنگ و زبان مردم زادگاه خود، بر پایه مشاهدات دوران گذشته و انجام برخی پژوهش های میدانی درخصوص چگونگی دستیابی مردم خور بیابانک به آب شیرین، به پژوهش توصیفی و کیفی در این زمینه اقدام کرده و کوشیده است ضمن نمایاندن اهمیت آب شیرین و شیوه های دستیابی مردم این ناحیه، پاسخی برای کارکرد امروزی سازه آب انبار بیابد.

موقعیت جغرافیایی

ناحیه جنوب دشت کویر به نام «خور و بیابانک» امروز یکی از شهرستان های استان اصفهان است که در بیابان های منتهی الیه مشرق این استان واقع شده است و از سه سوی شمال، شرق و غرب به حوضه کویر مرکزی و پاره کاسه های^۱ آن محدود می شود.

شهرستان خور و بیابانک، مرکب از بخش مرکزی با مرکزیت شهر «خور» [خور بیابانک]، مشتمل بر سه دهستان؛ به نام های «بیابانک»، «جندق»، «نخلستان» و شهرهای «جندق» و «فرخی» است و نزدیک به دویست و پنجاه روستا، مزرعه و مکان در حوزه رسمی آن قرار دارد.

به جز چند روستا و آبادی که در دامنه کوهستان های جنوب شهرستان واقع شده اند و از چشمه سارهای خرد، آب شیرین مورد نیاز را تأمین می کنند، دیگر آبادی های شهرستان خور و بیابانک از آب شیرین بهره ای ندارند و آب هایی که از اعماق زمین و از راه کاریزکنی برآورده اند، شور یا نیم شور است. در مرکز شهرستان هم آب مصرفی مردم شور است.

۱. اصطلاحی است که دکتر باستانی پاریزی در کتاب حماسه کویر آن را به کار برده است.

۱۶۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

موقعیت جغرافیایی خور بیابانک

شهر «خور» مرکز شهرستان خور و بیابانک در ارتفاع ۸۶۰ متری از سطح دریا، در ۳۳ درجه و ۴۶ دقیقه عرض شمالی از خط استوا، و ۵۵ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ در نیم‌کره غربی زمین قرار دارد. (پاپلی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳) خور بیابانک در وسعتی نزدیک به پنج کیلومتر مربع، از شمال به حوضه کویر نمک محدود می‌شود و متشکل از سه ناحیه پیوسته شهری و کشتخوان وابسته به آن در گستره غرب - شرق است که از چهل سال پیش در جهت جنوب توسعه یافته است.

پژوهشگران بومی، هسته نخستین پیدایش آبادی و سپس، شهر خور بیابانک را گرد آمدن شبانان در کنار چند چشمه خرد و گرم آب، موسوم به «دریا شو» واقع در بلندای تپه‌ای به نام «سزتل» و گسترش این ناحیه را پیامد افزایش شمار مردمان و به ناچار، احداث سه قنات به نام‌های «کلاغو^۱»، «دهزیر^۲» و «شورو^۳» دانسته‌اند. (یغمایی، ۱۳۷۰: ۱۹۶؛ هنری، ۱۳۵۷: ۴۷۱)

زمان گرد آمدن مردمان پیرامون چشمه‌های نامبرده و نیز زمان احداث دو قنات کلاغو و دهزیر و تقدم حفر یکی از این دو بر دیگری، نامعلوم است. پژوهش‌های مستند به روایات شفاهی و بررسی‌های مردم‌نگارانه و نشانه‌های بازمانده از گذشته، احداث قنات شورو را متأخر و منتسب به اواخر دوران زندیه و نایب‌الحکومتی حاج عبدالغفور در جندق و بیابانک می‌دانند.

قنات شورو که به جوی آب قنات دهزیر می‌پیوست، در سال ۱۳۵۸ با وقوع سیل مسدود شد. اما دو قنات دیگر، سال‌هاست که همواره، منبع تأمین آب کشت و کار مردم خور بیابانک بوده‌اند و آب هر دو نیز مانند چشمه‌های پیش‌گفته، شور است. با این حال، آب قنات دهزیر، کم شورتر بوده و طی شصت سال گذشته، مصرف آشامیدن و آشپزی داشته است.

1. kelâqu

2. dehzir

3. šuru

جستجوی شیرین آب‌ها در شورستان ❖ ۱۶۱

مردم شهر خور در طول سال‌ها، همواره اندیشیده و کوشیده‌اند تا از راه‌های گوناگون به منابع آب شیرین دست‌یابند. از جمله اقدامات آنان، یکی حفر چاهی در سال ۱۳۳۷ در پنج کیلومتری جنوب غرب خور بود که از آن آب شیرین برنیامد. با تأسیس شهرداری در سال ۱۳۴۱ مسئولان اقدام به خرید یک دستگاه تانکر و حمل آب شیرین از دهکده «عروسان کوره‌گز» در ده فرسنگی شمال خور و توزیع آن میان مردم کردند اما چون با افزایش مصرف آب، امکان تأمین آن بیشتر از همان دهکده کوچک نبود، با اهالی روستای «بازیاب» واقع در ۶۶ کیلومتری جنوب غربی خور توافق شد که شهرداری خور در ازای هر تانکر آب، مبلغ هشتصد ریال به کشاورزان بازیاب پرداخت کند. (یغمایی، ۱۳۹۶: ۲۵۹ و ۲۶۱) این توافق با ایجاد تجهیزاتی در روستای بازیاب برای نظارت بر رعایت بهداشت عملی شد و سال‌ها ادامه یافت تا اینکه با احداث یک سد در روستای «بازیاب»، حفر چند حلقه چاه در نقاط دور و نزدیک پیرامون خور و همچنین ایجاد خط لوله انتقال آب شیرین از منابع دست‌یافته در چهل سال اخیر، آب شیرین در دسترس همگان قرار گرفت.

اهمیت آب شیرین و راه‌های دسترسی

الف) اهمیت آب شیرین

در خور بیابانک تا ۶۰ سال پیش که امکان دستیابی به آب شیرین به شیوه یاد شده فراهم آمد، آب شیرین جزئی از دارو و درمان بیمار بود. چنان‌که برای مثال، گفته می‌شد: با آنکه به فلان بیمار آب شیرین هم داده بودند، درگذشت. مردم خور هدر دادن حتی قطره‌ای از آب شیرین را گناهی نابخشودنی می‌دانستند. (بلاغی، ۱۳۶۵: ۷۷)

کودکان را از هدر دادن ناخواسته این آب منع می‌کردند و اندازشان این بود که ریختن آب شیرین بر خاک، درهای جهنم را به روی آنان خواهد گشود. افزون بر کاربرد آب شیرین در درمان بیمار، اغلب در تهیه چای نیز از آن استفاده می‌کردند.

۱۶۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

ب) راه‌های دسترسی به آب شیرین

در گذشته، آب شیرین در دسترس همگان نبود و جز چندین خانواده اربابی برخوردار از تمکن مالی، رعایا امکان تهیه آب شیرین را از نقاط دور و نزدیک نداشتند. هرگاه برای بیمار و یا مصرف چای لازم می‌شد، از چاهی کم‌آب موسوم به چاه «گهوگان» در یک و نیم فرسنگی شمال خور، آبی می‌آوردند که آن هم اگر یک شبانه‌روز در مشک می‌ماند، به شوری می‌گرایید. (دستان، ۱۳۸۵: ۳۴) در موارد دیگر، چشم به بارش آسمان داشتند و در زمان بارندگی‌های گه‌گاه، به جمع‌آوری آب باران می‌پرداختند. هرگاه باران اندک بود هر ظرفی داشتند از سینی، دیگ و کماجدان در میان حیاط خانه می‌نهادند تا قطره‌های باران در آن جمع شود؛ هر زمان هم که بارش باران بیشتر بود و از ناودان‌ها فرومی‌ریخت یا در اصطلاح «نوتر»^۱ می‌شد، ظرف‌ها را به زیر ناودان‌ها می‌بردند و از آب باران پر می‌کردند تا در خانه، در ظرف سفالین بزرگ‌تری به نام تقار ذخیره کنند. در این ظرف، قطعه‌ای زغال می‌نهادند تا آلودگی‌های آب را برطرف و به اصطلاح آن را تصفیه کند. همچنین هرگاه سیلاب به آبکندها می‌ریخت، از آب شیرین آبگیرها و آبکندها برمی‌داشتند روش دیگر، برداشتن آب از سنگاب‌های واقع در کوهسارهای جنوب خور بود که بر اثر بارش از آب شیرین پر می‌شدند. در صورتی هم که از بارش ابرها سیلی به راه می‌افتاد، سیلاب را به آب‌انبارهایی که در کناره مسیل‌ها ساخته بودند، می‌گرداندند و آب شیرین از آب‌انبار برمی‌داشتند. این دو از منابع مهم تهیه آب شیرین بودند.

۱. آبکنند

آبکنند، فرورفتگی یا گودالی است که بر اثر شدت جریان سیلاب در مسیل‌ها ایجاد می‌شود و چون سیلاب در آن فرو ریزد، آبگیر شود و آب روزها در آن بماند. در گذشته دو آبکنند در مسیل شرقی خور به نام‌های گودال سید داود و گودال حیدر و یک

1. nowtor

جستجوی شیرین‌آب‌ها در شورستان ❖ ۱۶۳

آبکند در انتهای مسیل غربی از میانه خور، به نام گودال بابا یوسف وجود داشتند که هرگاه گل و لای‌شان ته می‌نشست و آب‌شان زلال دیده می‌شد، مردم از آنها آب شیرین خود را تأمین می‌کردند.

۲. سنگاب

سنگاب^۱، گودالی سنگی در کوه است که از تأثیر تدریجی آب بر سنگ آهک پدید می‌آید. سنگاب‌ها زمان بارش باران از آب پر می‌شوند و تا مدتی آب را نگاه می‌دارند. در گذشته، کسانی که سنگاب‌ها را در کوهستان‌های جنوب خور می‌شناختند و در کار آب برداشتن از آنها مهارت و توانایی داشتند، به کوه‌های یاد شده می‌رفتند و مشک‌ها را از آب سنگاب‌ها پر می‌کردند و در چارچوب آبکشی بر بار الاغ می‌نهادند و پس از پیمودن چند فرسنگ به محل می‌آوردند تا به کسی که سفارش آب شیرین داده بود، بفروشند.

۳. آب‌انبار

آب‌انبار سازه‌ای برای دستیابی کاروان‌ها به آب در بیابان‌ها و نیز دسترسی مردم آبادی‌های کم‌آب یا دارای آب شور کرانه‌های شوره‌زارها به آب شیرین است. کارکرد ثانویه آب‌انبار را نیز می‌توان آبکندی در مهار سیلاب دانست. آب‌انبارها نمود روشن هم‌اندیشی، خردمندی، هنرمندی، همیاری، دگریاری و معماری در فرهنگ و دانش نیاکان مردم بیابان‌نشین کرانه‌های کویر در ایران هستند که به سبب پیشرفت‌های صنعتی و فنی قرون اخیر و به کارگیری و توسعه آنها از یک سده گذشته در ایران، نقش نخستین خود را از دست داده‌اند و هم‌اکنون، حفظ و نگهداری از آنها از منظر میراث فرهنگی و گردشگری دارای اهمیت است.

حکیم ناصر خسرو قبادیانی مروزی که در نیمه اول قرن پنجم هجری، در بازگشت از سفر هفت ساله مشهور به سفر قبله، از بیابان بزرگ میان فارس و خراسان گذر کرده

1. sangâb

۱۶۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

و از کرانه‌های جنوبی و شرقی دشت کویر به سوی مرو راه سپرده است، از آب‌انبارها با نام «گنبدک» یاد کرده و آنها را مصانعی دور از مواضع شورستان که آب باران در آنها جمع می‌شود، معرفی کرده است. (ناصرخسرو، ۱۳۷۰: ۱۶۷ و ۱۶۹)

بی‌گمان این گنبدک‌ها و مصانعی که حکیم بزرگ در طول مسیر خویش مشاهده کرده و هدف از بنای آنها را به روشنی در سفرنامه خود شرح داده است، همان آب‌انبارهایی هستند که در میانه راه‌ها و یا بالادست آبادی‌ها، به فاصله دور و نزدیک از گوشه و کنار کاروان‌راه‌های منطقه خور و بیابانک در مجاورت سیل‌ها به دست پیشینیان خردمند و خیرخواه احداث شده‌اند تا از آب باران پر شوند و راهروان تشنه راه‌های بیابان و شتران راهور قافله‌ها را عطش تشنگی فروبشانند و توان ادامه راهشان را فراهم آوردند، همچنین برای مردمان آبادی‌هایی که از آب شیرین بی‌بهره هستند، امکان دسترسی به آب‌های ذخیره شده را میسر سازند.

الف) ساختار آب‌انبار در خور و بیابانک

آب‌انبار که در زبان گفتاری مردم همه شهرها و روستاهای شهرستان خور و بیابانک، حوض نامیده می‌شود، سازه‌ای با ۴ قسمت متصل به یکدیگر است:

۱: فضای درونی یا انبار و مخزن آب و آن گودالی است مربع یا مدور که از سطح زمین، دست‌کم تا عمق ۷ متر حفر می‌شود. قطر، ابعاد و ارتفاع آب‌انبارها بسته به بسامد استفاده از آنها متفاوت است و گنجایش مخزن بر حسب میزان تقریبی نیاز مصرف تعیین می‌شود. چنانچه مصرف بیش از مقدار پیش‌بینی شده باشد، آب‌انبار دیگری در کنار یا با فاصله کوتاهی از آن احداث می‌کنند. کف و دیواره مخزن آب‌انبار از قلوه‌سنگ و اندوده ساروج است تا راه نفوذ آب را به بیرون از دیواره بسته نگاه دارد.

۲: سقف یا پوشش بیرونی که گنبدین یا مخروطی‌شکل است و بر روی دیواره مدور سطح استوانه مخزن که از خشت و گل، سنگ و گل و یا آجر، بنا شده، به صورت پلکانی، ساخته و سپس با کاهگل اندوده می‌شود. کارکرد سقف، جلوگیری از تابش آفتاب و تبخیر آب مخزن است.

جستجوی شیرین آبها در شورستان ❖ ۱۶۵

۳: درگاه: بخش دیگر آبانبار، راه دسترسی به آب از سطح زمین تا کف حوض است. درگاه حوض راه خروج آب مازاد بر گنجایش مخزن در جریان آبیگری آبانبار و همچنین محل نصب کتیبه آبانبار است.

۴: گمب^۱: گمب راه ورود سیلاب به درون مخزن است؛ آن هم به شکل دهانه‌هایی که در سه سوی آبانبار از سطح زمین به ارتفاع و عرض ۲ متر یا بیشتر در پایین سقف باز می‌ماند.

ب) معماری و روش ساخت آبانبار

به شیوه ریخته‌ای است، به عبارت دیگر، پس از ترسیم دایره‌ای به قطر مورد نظر بر سطح زمین، ابتدا جای دیواره‌های مخزن را به عرض معین و عمق پیش‌بینی شده حفر می‌کنند و پس از ریختن قلوه‌سنگ و شفته آهک و گذشت چند روز برای اطمینان از استواری آن، اقدام به برداشتن گود و خاکبرداری از محاط دایره می‌کنند. آن‌گاه ابتدا، کف آبانبار را با همان مصالح، یعنی قلوه‌سنگ و شفته آهک می‌سازند و پس از کف‌سازی و اندودن کاهگل به بدنه دیواره‌ها، کف مخزن و دیواره را با ساروج و در پایان، با آمیخته سفیده تخم‌مرغ و شیر خرم‌آب‌بندی می‌کنند. ساختن سقف، مخزن و پلکان راه دسترسی به آب، پس از اتمام کار مخزن صورت می‌گیرد.

پ) افزوده‌های آبانبارها

۱. کتیبه: کتیبه، لوح سنگی و یا کاشی نوشته‌ای است که بر سطح درونی یکی از دیواره‌های درگاه، سردر یا نمای بیرونی یکی از ستون‌های درگاه و یا کف آبانبار تعبیه می‌شود. در کتیبه، نام بانی، تاریخ احداث و گاه بیتی از سروده شاعری محلی، متضمن ماده تاریخ، نام بنیانگذار و ستایش و دعای وی مندرج است.^۲

1. gomb

۲. نام یکی از آبانبارهای خور بیابانک حاج محمد و منسوب به بانی آن حاجی محمد خوری است که در سال ۱۲۶۲ ق میرزا احمد صفایی جندقی (۱۲۳۶ ق - ۱۳۱۴ ق) از شعرای خور و بیابانک ماده تاریخ آن را در دو بیت زیر سروده است:

ساخت حاجی محمد خوری	حوضی از بهر آن که ناجی باد
پی تاریخ آن صفایی گفت	آب کوثر شراب حاجی باد

(صفایی جندقی، ۱۳۸۸: ۵۴۸)

۱۶۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۲. جایبه^۱ جاویه^۲: آبشخور شتران کاروان‌ها و قافله‌های بیابان‌رو در کنار آب‌انبارهای میان‌راهی است؛ آن هم به صورت چند حوضچه کم‌عمق و دیواره کوتاهی که از خاک و گل و سنگ بر سطح زمین نزدیک آب‌انبار ساخته می‌شود تا هرگاه باران بارید، پر آب شود و یا قافله‌سالار در زمان عبور، از آب‌انبار بردارد و در آن ریزد تا شتران بیاشامند و تا رسیدن به منزل دیگر تشنه نمانند.

۳. نمازخانه و استراحتگاه: در کنار بسیاری از آب‌انبارهای میان‌راهی، ایوان کوچکی از خشت و گل برای ادای فریضه نماز و دمی آسودن راهروان راه‌های بیابان نیز دیده می‌شود.

ت) نامگذاری مردمی بر آب‌انبارها

افزون بر کتیبه نصب شده بر جای مناسبی از دیوار آب‌انبارها، هر یک از آب‌انبارهای واقع در شهر خور بیابانک و نیز آب‌انبارهای میان‌راهی در نقاط گوناگون منطقه، دارای نامی هستند که منشأ آن، نام بانی، موضع محل وقوع، کنیه و یا نام‌واژه‌ای است که به مناسبت، با شور و مشورت خردمندان محل برگزیده شده است چنان‌که وجه تسمیه یکی از آب‌انبارهایی که ۶۰ سال پیش در خور بیابانک «همّت» نامیده شد و به «حوض همّت» شهرت یافت، مشارکت و اهتمام عموم اهالی محل در احداث آن بوده است. به همین ترتیب، آب‌انبارهای معروف به «سه» و «پنج» که در سه و پنج فرسنگی راه جنوب - شمال جندق - نایین قرار گرفته‌اند و آب‌انبارهای «بندگله»، «سرگدار» و «نیم فرسخ سرچغاز» که در مسیر بیاضه - رباط پشت بادام، واقع شده‌اند به سبب موقعیتی که در این مواضع، دارند، به این نام‌ها شناخته می‌شوند.

شماری از آب‌انبارهای واقع در نقاط مختلف شهرستان خور و بیابانک از شهرت بیشتری برخوردارند که مسبوق به قدمت ساخت، شخصیت تاریخی بانی و روایات مستند و یا شفاهی افسانه‌گونه، سینه به سینه از نسلی به نسل بعد منتقل شده‌اند و تا امروز بر زبان‌ها به یادگار مانده‌اند. آب‌انبارهای معروف به «شاه» و «ملّا» در شهر خور و آب‌انبار واقع در روستای اُردیب، از این جمله‌اند.

1. jābiye

2. jāviye

ث) بازتاب روایات مردمی دو آب انبار در آینه فرهنگ مردم خور بیابانک

آب انبارهای معروف به «حوض شاه» و «حوض ملکا» از آب انبارهای مشهور خور بیابانک هستند. این دو آب انبار در بالادست بافت پیشین و در محوطه‌ای کنار بافت جدید شهر واقع شده‌اند. بر زبان مردم است که آب انبار نخستین، به فرمان شاه عباس صفوی و آب انبار دوم، به دستور وزیر او که لقب ملکا داشته، احداث شده است. (یغمایی، ۱۳۹۱: ۷۳ - ۷۴) در این زمینه، افسانه‌ای را نیز نقل می‌کنند.

ج) روایت تاریخ

در کتب تاریخ آمده است که: «شاه عباس در سال‌های اول پادشاهی، نذر شرعی کرده بود تا یک بار از اصفهان، برای زیارت امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا(ع)، پیاده به مشهد برود. در آغاز سال ۱۰۱۰ هـ. ق تصمیم گرفت که به این نذر وفا کند و روز پنجشنبه، پانزدهم ماه جمادی‌الاول همان سال، با این نیت، از کاخ سلطنتی نقش جهان اصفهان به راه افتاد.

همراهانش در این سفر آزاد بودند که به دلخواه، پیاده یا سواره حرکت کنند، ولی جمعی از ملازمان و ندیمان شاه به نوبت با وی مرافقت می‌کردند و چون از پیاده‌روی فرسوده می‌شدند، بر اسب می‌نشستند. از همراهان شاه تنها سه نفر تمام راه را پیاده پیمودند. این سه تن، یکی محمد زمان بایندری، یکی، رکابدارباشی شاه و دیگری، میرزا هدایت‌الله اصفهانی بودند. مسافت هر منزل را با طنابی که ۸۰ زرع شرعی بود اندازه می‌گرفتند و ملا جلال‌الدین محمد یزدی منجم مخصوص شاه حساب آن را نگاه می‌داشت. شاه عباس هر روز در حدود ۶ فرسنگ راه می‌رفت و هر جا خسته می‌شد، ساعتی توقف می‌کرد و می‌خوابید. سرانجام فاصله اصفهان تا مشهد را، از راه طبس گیلکی و تُرشیز [کاشمر] که به حساب ملا جلال ۱۹۹ فرسنگ بود، در مدت ۲۸ روز طی کرد و روز چهاردهم جمادی‌الثانی آن سال به مشهد رسید. شاه عباس زمستان سال ۱۰۱۰ را در مشهد ماند و ماه‌های رجب، شعبان و رمضان را در آنجا به طاعت و عبادت گذراند.» (فلسفی، ۱۳۳۹: ۱۳ - ۱۴)

۱۶۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سفر شاه‌عباس به مشهد با پای پیاده برای زیارت جد خود حضرت امام رضا(ع) مشهور عام و خاص است و روایات شفاهی از حواشی آن در گوشه و کنار مسیر شاه بسیار از زبان مردم خور بیابانک شنیده می‌شود؛ چرا که مسیر شاه‌عباس از خور بیابانک به طرف طبس و از آن جا به مشهد بوده است.

می‌گویند وقتی که شاه‌عباس به خور رسید و بار انداخت تا ماندگی به در کند، فرمان داد تا آب‌انباری برای تأمین و ذخیره آب شیرین در بالادست واحه خور احداث کنند. وزیر شاه به عرض رساند که من نیز چنین نیت دارم. آن دو برای تعیین محل احداث آب‌انبار به بلندای تپه سرتل در میان نخلستان خور رفتند و هر یک، تیری به سوی جنوب خور رها کردند تا هر جا فرود آمد موضع احداث آب‌انبار قرار گیرد. چنین کردند و به دستور آنان در همان مکان، دو حوض پی افکندند که به حوض «شاه» و حوض «ملأ» نامبردار گردید.

اقدام شاه‌عباس در خور بیابانک، مثلی را در فرهنگ مردم خور آفریده است که درباره آن می‌گویند: شاه‌عباس پس از فرمان احداث حوض و یا پس از زدن کلنگ یا احداث آن، روی به مردم کرده و گفته است: «این حوض، خرج حوض بر در حوض». مردم در آن وقت گمان کردند که شاه‌عباس دفینه‌ای برای مخارج تعمیرات و مرمت‌های آبی در زمین بیرون از حوض قرار داده است اما هر چه زمین را کردند و کاویدند چیزی نیافتند و سرانجام پی بردند که سخن او معنای دیگری دارد و به تلمیح گفته است نگاهداری حوض بر عهده مردم خواهد بود. این سخن شاه مثل شد و کنایتی از انجام مسئولیت و تکلیف به وسیله یکی و سپردن مسئولیت‌های بعدی آن به دیگری معنا گرفت.

چ) بازتاب نام آب‌انبارها و سنگاب‌ها در ترانه‌های مردمی

در شماری از دوبیتی‌های مردمی نام جای سنگاب و برخی از آب‌انبارهای خور و بیابانک، همچنین عبارت آب شیرین آمده است. از جمله: «حوضِ قلی^۱» و سنگاب و آب شیرین سی‌وسه چشمه در دوبیتی‌های زیر:

۱. آب‌انباری در بیابان جنوب شرقی خور بیابانک.

جستجوی شیرین آب‌ها در شورستان ❖ ۱۶۹

سوار لوک زرد کاکلیم گرفتار دل چارقند گلیم	خداندا سر حوضِ قلیم اگه خلقون نمی‌دونی بدونی
به روی سینه گلجان کنم خو ^۳ بیارن از برایش آب سنگو ^۴	گذار اشرفی ^۱ پشت بند ریزو ^۲ اگر دانم که گلجان مال ما یه
پسین دلگشایی داره ایراج عجب گل‌های بهاری داره ایراج	عجب باد شمالی داره ایراج ^۵ سی‌وسه چشمه ^۶ داره آب شیرین

(پاک، ۱۳۷۰؛ طباطبایی، ۱۳۸۷)

ح) آب‌انبار و همیاری‌های مردمی

۱. آب‌انباری که در پیوند با شرایط اقلیم بیابانی و عوامل جبری زیست‌محیطی، با تلاش مردمان پیشین در خور بیابانک شکل گرفته و احداث شده، بر پایه دانش و عقلانیت بومی استوار است چرا که با تشخیص مکان مناسب برای احداث، آن را در بالادست آبادی، دورتر از کناره نزدیک به مسیل، جایی که بدون دشواری بتوان سیلاب را هدایت کرد، ساخته‌اند.

۲. هدف از احداث آب‌انبار، نیکوکاری در تأمین و ذخیره آب‌شیرین و فراهم کردن امکان دسترسی همگان به این آب بوده است.

مهربان بوده‌اند و خیراندیش	مردمان شریف دوره پیش
حوضی افکنده‌اند یا چاهی	هر کجا هست کاروان گاهی
بانیان رباط و حوض و چه‌اند	پاک‌دل مردمی که اهل رهند

۱. گردنه کوهستانی در کوهساران جنب خور بیابانک.

۲. tizow: بند ریزآب واقع در کوهستان‌های جنوبی خور بیابانک.

۳. xow: خواب.

۴. sangow: تلفظ سنگاب در گویش خوری.

۵. irâj: روستایی در ۴۸ کیلومتری جنوب خور بیابانک.

۶. نام پیشین روستای ایراج.

۱۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در بیابان هر آن که دارد سیر می‌شناسد به نام صاحب خیر
(یغمایی، ۱۳۹۰: ۲۴)

۳. مشارکت مردمی در احداث آبنبار، جلوه‌ای مشهود از همیاری و دگریاری میان مردم خور بیابانک است؛ چرا که تمامی مصالح آبنبارهای این ناحیه، از سنگ، ساروج، خشت خام و آنچه برای ساخت و ساز مورد نیاز بوده، از امکانات موجود محل فراهم شده است. مردمان در پای کار احداث، از کندن زمین، خشت‌مالی، حمل سنگ و فراهم کردن خاکستر و سفیده تخم مرغ که از مواد اصلی تهیه ساروج است، همواره بدون چشمداشت به مزد آماده بوده‌اند.

مشارکت در آبگیری آبنبارها نیز از دیگر جلوه‌های همیاری میان مردم خور بیابانک است. هرگاه سیلابی از کوه‌های جنوب خور سرازیر می‌شد، نخستین کسی که از این جریان آگاه شده بود، فریاد برمی‌آورد و با بانگ «آهای سیلاب» دیگران را برای هدایت آب به آبنبارها و پیشگیری از ورود سیل به داخل بافت مسکونی فرامی‌خواند؛ هر کسی هم که بانگ را می‌شنید، دیگران را خبر می‌کرد و خود با بیل و کلنگ به یاری و کمک می‌شتافت.

۴. موقوفات: برابر مفاد وقفنامه‌هایی که از گذشته بر جای مانده است، نیکاندیشان خیرخواه، چیزی از آب، ملک، شتر و نخل‌های خود را برای تأمین مخارج مرمت و تعمیر آبنبارها وقف می‌کرده‌اند.

خ) کارکرد امروزی آبنبارها در خور بیابانک

از ۶۰ سال پیش که آب شیرین با اجرای لوله‌کشی، از روستای بازیاب واقع در ۶۶ کیلومتری غرب جنوب خور، به سطح شهر، اماکن و منازل رسید، دسترسی مردم خور بیابانک به آب شیرین فراهم آمد و آبنبارها، کارکرد اصلی و نخستین خود را در زندگی مردم از دست دادند. از سوی دیگر، با احداث خیابان‌های عریض و طویل و توسعه ساخت و ساز شهری و انتقال اماکن دولتی و اداری و نیز منازل مسکونی، به اراضی بالادست جنوب خور، بافت قدیم تقریباً متروک ماند و به همین ترتیب، با

جستجوی شیرین آب‌ها در شورستان ❖ ۱۷۱

احداث سیل‌بندهای واقع در فرادست بخش توسعه یافته شهر، ضرورت استفاده از آب‌انبارها و آبیگری آنها از بین رفت؛ با این حال، تعدادی از آنها همچنان در میان شهر خودنمایی می‌کنند و بی‌زبان، از کارکرد دیرین خود سخن می‌گویند و قابلیت‌های امروزین‌شان را به عنوان موزه و سفره‌خانه، به گردشگران نشان می‌دهند.

جمع‌بندی

پژوهش حاضر، حاکی از آن است که شرایط دشوار اقلیمی و عوامل جبری زیست‌محیطی، تلاش و کوشش دوچندان مردمان مقیم در سرزمین‌های محروم و بی‌بهره از شرایط مناسب و مطلوب را برای نیل به آمال و آرزوهای برخاسته از زمینه‌های موجود زیستگاهی موجب شده است و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب مساعد برای سازگاری با محیط زندگی و دستیابی به خواسته‌هایی که حتی گاه جنبه آرزو داشته‌اند، همواره با دشواری و سختکوشی همراه بوده است.

کوشش‌های مردمی در حوزه مورد پژوهش، گواه آن است که دسترسی مردم ساکن در مناطق شور خاک به آب شیرین، محدود به آرزو نمانده و با اندیشه، دانش‌اندوزی و خردورزی جمعی، به صورت اقدامی عملی در حیات اجتماعی آنان ظهور و بروز یافته و به پدیدار شدن روابط اجتماعی مبتنی بر نیک‌خواهی، همیاری و دگریاری انجامیده است.

منابع

- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۵۶). حماسه کویر. تهران: امیرکبیر.
- بلاغی، سید عبدالحجه (۱۳۶۵ ق). النسب خاندان‌های مردم نایین. تهران: چاپخانه شهر.
- پایلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۸). فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- پاک، گلاره (۱۳۷۰). یغمای سی‌ودوم. گردآوری: ایرج افشار با همکاری قدرت‌الله روشنی زعفرانلو. تهران: انتشارات ایران.

۱۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- درویش‌زاده، علی (۱۳۷۰). زمین‌شناسی ایران. تهران: نشر دانش امروز.
- دستان، ابراهیم (۱۳۸۵). «جغرافیای جندق و بیابانک». فصلنامه آینه میراث. ضمیمه ش ۶.
- صفایی جندقی، میرزا احمد (۱۳۸۸). دیوان اشعار صفایی جندقی. تصحیح و مقدمه سیدعلی آل داود. تهران: انتشارات کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- طباطبایی، لسان‌الحق (۱۳۸۷). سرو ایراج، ترانه‌هایی از جندق، خور و بیابانک. تهران: انتشارات بهین.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۳۹). زندگانی شاه‌عباس اول. تهران: کتاب کیهان.
- قبادیانی مروزی، ناصر بن خسرو (۱۳۷۰). سفرنامه ناصرخسرو. به تصحیح و کوشش دکتر محمود دبیر سیاقی. تهران: انتشارات زوار.
- کردوانی، پرویز (۱۳۸۶). کویر (نمکزار) بزرگ مرکزی ایران و مناطق همجوار آن. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کلینسلی، دانیل (۱۳۸۱). کویرهای ایران و خصوصیات ژئومورفولوژیکی و پالئو کلیماتولوژی آن. ترجمه دکتر عباس پاشایی. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مصلح.
- هنری، مرتضی (۱۳۵۷). «پیدایش و توسعه خور». مجموعه سخنرانی‌های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی. تهران: دانشگاه ملی ایران، ج ۴، صص ۴۷۱ - ۴۸۱.
- یغمایی، حبیب (۱۳۹۰). سرنوشت و دیگر اشعار. تهران: انتشارات بهین.
- یغمایی، ابوالقاسم طغرا (۱۳۹۱). از خور و روزگاران، طغرا نوشت. زنجان: انتشارات آذرکلک.
- یغمایی، عبدالکریم حکمت (۱۳۷۰). بر ساحل کویر نمک. تهران: انتشارات توس.
- _____ (۱۳۹۶). خور شهر شورستان. زنجان: انتشارات آذرکلک.